
زیر نظر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)

اشتباهات در رسم الخط

قرآن عثمان طه

این اشتباهات که در نسخه معروف
عثمان طه به هر دلیل رخ داده، باید به
وسیله قرآن پژوهان جهان اسلام اصلاح
گردد.

گردآوری: حجت الاسلام آقای حبیبی



فهرست مطالب

- مقدمه: هرگز دست تحریف به قرآن دراز نشده است ۷
- کاستی‌های رسم‌الخط عثمان‌طه در شش بخش ۱۶
- ۱- رسم‌الخط‌هایی که سبب تغییر معنا می‌شود ۱۷
- ۲- رسم‌الخط‌هایی که سبب می‌شود کلمه فاقد معنا
گردد! ۲۷
- ۳- رسم‌الخط‌هایی که سبب صعوبت فوق‌العاده در قرائت
می‌شود ۳۳
- ۴- رسم‌الخط‌هایی که سبب اضافه حروف نابجا شده ۳۷
- ۵- رسم‌الخط‌هایی که سبب حذف حروف لازم شده ۴۱
- است
- ۶- رسم‌الخط‌هایی که یک کلمه را به دو صورت ۴۹
نوشته، در حالی که فقط یکی از آن دو صحیح است

مقدمه

قرآن کتابی است که هرگز دست تحریف به دامانش دراز
نشده و نخواهد شد

قرآن بزرگترین کتاب آسمانی است که از سوی خداوند
متعال بر خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی ﷺ نازل گردیده
است، آنچه که بین اکثریت قاطع عالمان دینی اعم از شیعه و
سنّی مورد قبول می باشد، این است که: تمامی الفاظ قرآن،
بدون کم و زیاد، وحی الهی می باشد و هیچ تحریف و تغییری
در آن رخ نداده و باید به همین صورتی که سینه به سینه به ما
رسیده است تلاوت شود.

بدیهی است قرآنی که به وسیله کاتبان وحی که جمع
کثیری از اصحاب بودند نوشته می شد و شب و روز در نمازها و
غیر نمازها تلاوت می گشت و حافظان بسیار زیادی داشت
چیزی نبود که دست تحریف بتواند به سوی آن دراز شود.

به علاوه قرآن با صراحت می گوید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»؛ ما قرآن را نازل کردیم و ما حافظ قرآن هستیم». (حجر، آیه ۹)

چیزی که خدا حافظ آن است هرگز دست تحریف‌گران به سوی آن دراز نخواهد شد.

اما در رابطه با نحوه کتابت قرآن، آیا نحوه نگارش نیز همانند خود قرآن وحی منزل است و کاتبین وحی به دستور پیامبر اکرم ﷺ به همین صورت امروزی (مانند خط عثمان طه) نوشته‌اند؟ همان‌گونه که بعضی ساده‌اندیشان تصور کرده‌اند و یا اینکه پیامبر اکرم ﷺ تنها آیات و سُور نازل را بر کاتبین وحی املا می‌فرمودند و کاتبین بر اساس رسم الخطی که آن روز، عرب‌ها با آن آشنا بودند می‌نوشتند؟ سپس با گذشت زمان رسم الخطها تغییر یافت و به صورت قرآن‌هایی که امروز در دست ماست درآمد.

با بررسی سیر تکاملی کتابت قرآن از صدر اسلام تا به امروز چنین به دست می‌آید که هرگز رسم الخط و ضبط کتابت قرآن کریم توقیفی و الزامی به شکل خاصی نبوده است و بهترین

دلیل بر این مدّعا، اضافه شدن نقطه و علامات فراوان املائی است که قطعاً در عصر نزول وجود نداشته است و در کتابت آن روز عرب نوشته نمی‌شد ولی بعدها برای اینکه غیر عرب‌ها بتوانند قرآن را صحیح بخوانند در کتابت قرآن آورده شد و نمونه‌های آن، قرآن‌های با رسم الخط‌های مختلف عربی، ترکی و اردو می‌باشد که امروز در دسترس ماست.

این رسم‌الخط‌های مختلف متأسفانه برای بسیاری از خوانندگان قرآن حتّی بسیاری از عرب‌ها مشکل آفرین شده است و باید رسم الخط واحد شفاف و روشنی که برای همه سهل و آسان باشد، انتخاب شود.

بررسی رسم‌الخط عثمان طه

اکنون با این مقدمه به سراغ مشهورترین نسخه‌ای که امروز در دست مسلمین است، می‌رویم و اشکالات مهم آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مشهورترین نسخه قرآنی که امروزه در میان مسلمانان رواج دارد و هر سال، میلیون‌ها نسخه از آن، در سراسر جهان چاپ و

منتشر می‌گردد، نسخه قرآن معروف به خط «عثمان طه» می‌باشد.

این نسخه از قرآن، امتیازات متعددی دارد: خط خوب، قطع مناسب، علامت‌گذاری دقیق، آیات از آغاز صفحه شروع و با پایان صفحه، پایان می‌یابد و هر جزء از سی جزء قرآن در بیست صفحه تمام می‌شود (جز در دو سه مورد).

به همین دلیل و به دلیل اینکه نشر و توزیع آن، توسط کشور عربستان به صورت رایگان و اهدایی همه ساله در مقیاس گسترده صورت می‌گیرد، مورد استقبال واقع شده است.

این امر، سبب یک نواختی نسبی نسخ قرآن، در کشورهای مختلف گردیده است و بیشتر حافظان در غالب کشورها از روی همین نسخه به حفظ قرآن می‌پردازند و اکثر فراگیران و قاریان نیز، از روی همان، قرآن را فرا می‌گیرند و می‌خوانند (هر چند نسخه‌های دیگری نیز در کشورهای مختلف اسلامی وجود دارد). ولی از آنجا که هر کار خوبی، ممکن است بی‌نقص نباشد، این نسخه از قرآن نیز از نظر املا و نگارش (رسم الخط) کاستی‌های فراوانی دارد که اصلاح آن، لازم و ضروری می‌رسد

زیرا این اشتباهات گاه معنی را تغییر می‌دهد و گاه قرائت را بسیار مشکل می‌سازد.

رسم الخط قرآن توقیفی نیست

بار دیگر لازم می‌دانم این نکته را تکرار کنم که رسم الخط قرآن هرگز توقیفی نیست، و الزامی به رسم الخط معینی نداریم. زیرا: **اولاً:** آنچه که میان تمامی فرق اسلامی، اجماعی است «نزل قرآن به صورت الفاظ معین» می‌باشد و ملاک اساسی در قرائت قرآن، نقل سینه به سینه و شنیدن آن از زبان پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله ﷺ بوده است، و کتابت‌ها همیشه متفاوت بوده است.

ثانیاً: امروز رسم الخط واحدی در دست نداریم که به طور قطع و یقین بتوان آن را به صدر اسلام منتسب نمود. بهترین شاهد، وجود قرآن‌های منسوب به قرون اولیه در موزه‌ها و کتابخانه‌های مهم جهان و کشورهای اسلامی می‌باشد که از نظر املائی با رسم الخط موجود متفاوت است.

ثالثاً: کشور عربستان که ناشر قرآن به خط عثمان طه است برای مسلمانان هند و پاکستان، قرآن‌هایی را چاپ و توزیع نموده که با رسم الخط این قرآن، تفاوت بسیار دارد.

انواع کاستی‌ها

به هر حال در نسخه موجود به خط عثمان طه، کاستی‌های فراوان رسم الخطی وجود دارد که گاه موجب تغییر در معنا و گاه سبب نامفهوم شدن کلمه و گاه باعث صعوبت در فراگیری و قرائت صحیح می‌شود، از این رو ما این موارد را به شش گروه تقسیم کرده‌ایم:

۱. رسم الخط‌هایی که سبب تغییر معنا می‌شود.
۲. رسم الخط‌هایی که سبب می‌شود، کلمه فاقد معنا گردد.
۳. رسم الخط‌هایی که سبب صعوبت فوق‌العاده فراگیری می‌شود.
۴. رسم الخط‌هایی که سبب اضافه حروف نابجا می‌شود.
۵. رسم الخط‌هایی که سبب حذف حروف لازم و اصلی کلمه شده است.

۶. رسم الخط‌هایی که سبب نوشتن یک کلمه به دو صورت در دو آیه یا در چند آیه می‌شود، بدون هیچ‌گونه دلیل که تنها یک صورت آن صحیح می‌باشد.

در اینجا برای هر یک از موارد فوق، نمونه‌هایی را آورده‌ایم؛ انتظار و تقاضای ما از اندیشمندان و علمای اسلامی به ویژه علمای مصر و حجاز، این است که همگی با یک عزم راسخ برای اصلاح آن بکوشند، و نسخه‌های موجود را از این نظر کامل کنند.

البته همان‌گونه که گفته شد: این کاستی‌ها فقط مربوط به رسم‌الخط و نگارش است و گر نه قرائت الفاظ قرآن، بدون هیچ‌گونه تحریف و کم و زیادی از آغاز تاکنون باقی مانده است. بدیهی است، صحیح نوشتن رسم‌الخط، نه تنها سبب تغییری در قرآن نمی‌شود، بلکه صحت تلاوت و تفسیر قرآن را تضمین می‌کند، همان‌گونه که می‌دانیم کتابت اولیه قرآن، فاقد نقطه‌گذاری و علامت اعراب بود و نقطه‌گذاری حروف و ضبط اعراب به وسیله علامت، نه تنها باعث تحریف نشد بلکه موجب مصونیت قرآن از تحریف در قرائت نیز گردید.

اضافه بر آن، هیچ دلیلی در دست نیست که نسخه موجود به خط «عثمان طه» بر اساس رسم الخط نسخه‌های صدر اسلام می‌باشد، چرا که:

۱. در پایان نسخه قرآن موجود به خط «عثمان طه» صریحاً آمده است: «هجاء و رسم الخط آن از دو نفر از علمای این فن به نام «ابوعمر و دانی» و «ابوداود سلیمان بن نجاح» گرفته شده که آنها آن را مربوط به زمان خلیفه سوم عثمان می‌دانند و در مواردی که این دو با هم اختلاف دارند نقل نفر دوم ترجیح داده شده است».

از این بیان استفاده می‌شود که رسم الخط مزبور از طریق خبر واحد به ما رسیده که گاه این خبر واحد تعارض نیز دارد.

۲. نسخه قرآن‌هایی که ده‌ها سال قبل از این نسخه، در کشورهای اسلامی چاپ و توزیع شده و اکنون نیز چاپ و منتشر می‌شود، مانند کشور ترکیه عثمانی و ترکیه کنونی، هند و پاکستان و ایران و بعضی از کشورهای عربی، مانند عراق، از نظر رسم الخط، با نسخه موجود - به خط عثمان طه - تفاوت بسیار دارد.

۳. نسخه‌های فراوانی از قرآن‌های صدر اسلام در موزه‌ها و کتابخانه‌های مهم جهان و کشورهای اسلامی موجود است که از نظر رسم الخط با نسخه موجود متفاوت می‌باشد.

۴. اخیراً کشور عربستان، قرآنی را با رسم الخط دیگری برای مسلمانان هند و پاکستان چاپ و توزیع نموده که رسم الخط آن‌ها، با رسم الخط عثمان طه، تفاوت بسیار دارد.

بنابراین لازم است علمای جهان اسلام، رسم الخط واحدی را بر اساس نگارش و کتابت صحیح امروز که برای همه قابل فهم و سهل و آسان باشد، تهیه و در اختیار مسلمانان سراسر جهان قرار دهند و همه از آن بهره‌مند شوند.

پاسخ به یک سؤال مهم

از آنچه در بالا آمد روشن شد این که بعضی می‌گویند بهتر است برای اصالت قرآن دست به این رسم الخط ننزیم و اشتباهات آن را تحمل کنیم، هر چند می‌دانیم با اصلاح رسم الخط هیچ تغییری در تلفظ قرآن رخ نخواهد داد، سخن نادرستی است.

زیرا اگر ما تنها یک رسم الخط قرآنی در طول تاریخ داشتیم، ممکن بود این عذر تا حدی پذیرفته شود در حالی که - همان‌گونه که در بالا آمد - از آن زمان که قرآن به خط کوفی نوشته می‌شد و سپس به خط عربی موجود در آمد، ده‌ها نوع رسم الخط رواج داشته است (البته با حفظ تلفظ واحد) که در موزه‌های کشورهای اسلامی نمونه‌های فراوانی از آن دیده می‌شود، امروز نیز چنین است و حتی در عربستان سعودی نیز قرآن با رسم‌الخط‌های متفاوت نوشته شده است و هیچ دلیلی بر مطابقت رسم الخط عثمان طه با رسم الخط خلفای نخستین نیست بلکه دلایل متعدد بر ضد آن داریم.

به هر حال نباید دچار وسوسه شد و لازم است علمای اسلام در اصلاح این نسخه کثیرالتنشار (نسخه عثمان طه) بکوشند و به صحیح خواندن قرآن و تفسیر صحیح آن کمک کنند. البته نباید فراموش کرد که در بعضی قرآن‌های چاپ دیگر نیز بخشی از این نواقص رسم الخطی وجود دارد که باید اصلاح گردد. پس از پایان مقدمه، کاستی‌های نسخه قرآنی عثمان طه که در شش بخش تنظیم یافته یکی پس از دیگری بررسی می‌شود. امیدواریم علمای اسلام، به خصوص علمای حجاز در رفع این کاستی‌ها بکوشند.



رسم الخط های که سبب تغییر معنا
می شود

بخش اوّل

رسم الخط‌هایی که سبب تغییر معنا می‌شود

در این رابطه به ذکر چندین نمونه اکتفا می‌کنیم:

الف) واژه «إِنَّمَا» و «أَنَّمَا» در ۱۰ آیه، به صورت متصل نوشته شده است، در حالی که باید به صورت منفصل و جدا از هم یعنی به صورت «إِنَّ مَّا» و «أَنَّ مَّا» نوشته و خوانده شود. زیرا کلمه «ما» در تمامی این ده آیه «موصوله» است (به معنی چیزی) در حالی که «إِنَّمَا»^۱ کلمه «حصر» به معنی فقط و «أَنَّمَا» برای تأکید است.

بنابراین اگر در این ۱۰ مورد که «ما» موصوله است، متصل خوانده شود معنای آن تغییر پیدا می‌کند.

آن ده مورد عبارتند از:

۱. «أَنَّمَا» حصر، حدود ۱۳۰ بار تکرار شده و به صورت متصل نوشته شده است و صحیح است.

۱. (إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ)

(نحل، آیه ۹۵)

صحیح آن: (إِنَّ مَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ)

۲. (إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٍ) (طه، آیه ۶۹)

صحیح آن: (إِنَّ مَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٍ)

۳. (إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ) (ذاریات، آیه ۵)

صحیح آن: (إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ)

۴. (إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ) (مرسلات، آیه ۷)

صحیح آن: (إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ)

این در حالی است که جمله (وإِنَّ مَا تُوعَدُونَ) در

سوره انعام، آیه ۱۳۴ به صورت منفصل آمده است.

۵. (وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمِلِّي لَهُمْ خَيْرٌ

لأنفسِهِمْ) (آل عمران، آیه ۱۷۸)

صحیح آن: (...أَنَّ مَا نُمِلِّي لَهُمْ...)

۶. (أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى) (رعد، آیه ۱۹)

صحیح آن: (... أَنْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ ...)

۷. (اتَّخَسِبُونَ أَنَّ مَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَنِينَ) (مؤمنون، آیه ۵۵)

صحیح آن: (... أَنَّ مَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَنِينَ)

۸. (وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَمَ) (لقمان، آیه ۲۷)

صحیح آن: (... وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ ...)

۹. (وَأَعْلَمُوا أَنَّ مَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ) (انفال، آیه ۴۱)

صحیح آن: (... أَنَّ مَا غَنِمْتُمْ ...)

۱۰. (لَا جَرَمَ أَنَّ مَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي

الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ) (غافر، آیه ۴۳)

صحیح: (... أَنَّ مَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ ...)

قابل توجه اینکه جمله (وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ) در سوره

حج، آیه ۶۲ و سوره لقمان، آیه ۳۰ به صورت صحیح و منفصل

نوشته شده است.

ب) واژه «بِئْسَمَا» مرکب از دو کلمه «بِئْسَ» (از افعال ذمّ) و «ما» موصوله، می باشد و باید جدا نوشته شود. در نسخه موجود عثمان طه، در شش مورد^۱ به صورت منفصل «بِئْسَ مَا» نوشته شده است که صحیح می باشد ولی در سه مورد به صورت متصل نوشته شده که باید این موارد نیز اصلاح گردد و به صورت منفصل نوشته شود.

۱. (بِئْسَمَا أَشْتَرُوا بِهِ أَنْفُسَهُمْ) (بقره، آیه ۹۰)

صحیح آن: (بِئْسَ مَا أَشْتَرُوا بِهِ أَنْفُسَهُمْ ...)

۲. (بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ) (بقره، آیه ۹۳)

صحیح آن: (بِئْسَ مَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ ...)

۳. (بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي) (اعراف، آیه ۱۵۰)

صحیح آن: (بِئْسَ مَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي ...)

ج) واژه «أَيْنَمَا» هرگاه جدا نوشته شود مرکب از دو کلمه «أَيْنَ» به معنی «کجاست» و «ما» موصوله به معنی چیزی است و اگر این واژه متصل نوشته شود یک کلمه است و به معنی ظرف مکان خواهد بود و یعنی «هرجا». بنابراین اگر «ما»

۱. بقره، آیه ۱۰۲؛ آل عمران، آیه ۱۸۷؛ مائده، آیات ۶۲ و ۶۳ و ۷۹ و ۸۰.

موصوله باشد، طبق قاعده باید منفصل از «أین» باشد به صورت: «أین ما» و در این صورت جمله استفهامیه است، به معنای «کجاست چیزی که...».

در قرآن نسخه عثمان طه واژه «أینما» ۱۲ بار تکرار شده، سه مورد آن که «ما» موصوله است و باید جدا نوشته شود به صورت جدا نیز آمده و صحیح است، و آنها عبارتند از:

۱. (قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ...) (اعراف، آیه ۳۷).

۲. (وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ...) (شعراء آیه ۹۲).

۳. (ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ...) (غافر، آیه ۷۳).

و در ۹ مورد، حرف «ما» زائده است و باید به صورت متصل باشد: «أینما» (به معنی هر جا) در حالی که تنها در ۴ مورد به صورت متصل نوشته شده است، و آنها عبارتند از:

۱. (فَأَيْنَمَا تُولُوْا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ ...) (بقره، آیه ۱۱۵).
۲. (أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ ...) (نساء، آیه ۷۸).
۳. (أَيْنَمَا يُوجَّهْ لَا يَأْتِ خَيْرٌ ...) (نحل، آیه ۷۶).

۴. (مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقُفُوا أَخِذُوا ...) (احزاب، آیه ۶۱).
این چهار مورد صحیح است.

ولی در ۵ مورد دیگر که به صورت منفصل نوشته شده باید به صورت متصل، نوشته شود به صورت: «أَيْنَمَا» و آنها عبارتند از:

۱. (أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا ...) (بقره، آیه ۱۴۸)
صحیح آن: (أَيْنَمَا تَكُونُوا ...)

۲. (ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ أَيْنَ مَا ثُقُفُوا ...) (آل عمران، آیه ۱۱۲)
صحیح آن: (... أَيْنَمَا ثُقُفُوا ...)

۳. (وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ ...) (مریم، آیه ۳۱)
صحیح آن: (أَيْنَمَا كُنْتُ ...)

۴. (وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ ...) (حدید، آیه ۴)
صحیح آن: (أَيْنَمَا كُنْتُمْ ...)

۵. (وَلَا أَكْثَرُ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ...) (مجادله، آیه ۷)

صحیح آن: أَيْنَمَا كَانُوا ... می باشد.

و عجب این که جمله «أَيْنَ مَا تَكُونُوا» در آیه ۱۴۸ سوره بقره با آیه ۷۸ سوره نساء یکسان است در حالی که در یکی متصل و در دیگری منفصل نوشته شده، و همچنین آیه ۱۱۲

سوره آل عمران با آیه ۶۱ سوره احزاب هر دو «أَيْنَ مَا تُقِفُوا» است در حالی که یکی به صورت متصل و دیگری به صورت منفصل آمده است که هیچ وجهی برای آن نیست.

د) طبق قاعده، «لام جاره» باید به صورت متصل به کلمه بعدی باشد، و موارد آن در قرآن فراوان است که به صورت متصل، آمده است، اما در چهار مورد در نسخه عثمان طه می‌باشد که حرف «ل» جاره بعد از «ما» موصوله قرار گرفته است و به صورت منفصل از کلمه بعدی نوشته شده به صورت «مَالٍ»، در این صورت معنای دیگری به ذهن متبادر خواهد شد، از این رو لازم است طبق قاعده و همانند سایر موارد آن که در قرآن بسیار است، حرف «ل» به صورت متصل با کلمه بعدی نوشته شود، آن موارد چهارگانه عبارتند از:

۱. (فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا) (معارج، آیه ۳۶)
صحیح آن: (فَمَا لِلَّذِينَ كَفَرُوا) می‌باشد
۲. (وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ) (فرقان، آیه ۷)
صحیح آن: (وَقَالُوا مَا لِهَذَا الرَّسُولِ)
۳. (وَيَقُولُونَ يَنْوِيلُنَا مَالِ هَذَا الْكُتُبِ) (کهف، آیه ۴۹)

صحيح آن: (يَوَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ)
 ۴. (فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا)
 (نساء، آیه ۷۸)

صحيح آن: (فَمَا لِهَؤُلَاءِ الْقَوْمِ ...) می باشد.
 و همان گونه که گفتیم این در حالی است که در موارد کاملاً
 مشابه، به صورت متصل آمده است، مانند:
 ۱. (قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ...) (آل عمران، آیه ۱۲ و انفال، آیه ۳۸)
 ۲. (فَأَمَلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ...) (رعد، آیه ۳۲)
 ۳. (وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا ...) (ملک، آیه ۶)
 ۴. (وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا ...) (اعراف، آیه ۴۳)
 ۵. (وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا هَذَا الْقُرْآنَ ...) (فصلت، آیه ۲۶)

این تفاوت ها کاملاً بی دلیل است.

۲

رسم الخط های که سبب

می شود

کلمه فاقد معنا کردد!

بخش دوم

رسم الخط‌هایی که سبب می‌شود کلمه فاقد معنا گردد

رسم الخط‌هایی است که سبب می‌شود کلمه فاقد معنا گردد، در حالی که اگر درست بنویسند معنا و تفسیر کاملاً روشن است.

توضیح اینکه در قرآن به خط «عثمان طه» به کلماتی بر می‌خوریم که بدون دلیل قانع کننده‌ای، حرفی اضافه دارد و این سبب می‌شود که ظاهر کلمه، فاقد معنا گردد. این در حالی است که همان کلمات در جای دیگر، بدون حرف زاید و به صورت صحیح نوشته شده است، و این از عجایب است.

۱. کلمه «أید»^۱ در سورة ذاریات، آیه ۴۷ با دو یاء یعنی

چنین نوشته شده:

(وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ) و صحیح آن «بِأَيْدٍ» است.

۱. کلمه «أید» بر وزن «صَيِّدٌ» به معنای قدرت و قوّت می‌باشد، و در قرآن تنها دو بار آمده است.

در حالی که در سوره ص، آیه ۱۷، کلمه «أَيُّد» با یک «ياء» آمده است به این صورت:

(وَأَذْكُرُّ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ) و کاملاً درست است.

۲. کلمه «فَإِنْ» در سوره آل عمران، آیه ۱۴۴ و سوره انبیاء، آیه ۳۴ با یک یای اضافی چنین نوشته شده:

(...أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ أُنْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ...) و صحیح آن: أَفَإِنْ مَاتَ می‌باشد.

(...أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ) صحیح آن: أَفَإِنْ مِتَّ است.

در حالی که کلمه «فَإِنْ» بیش از نود بار در قرآن تکرار شده و در همه این موارد در نسخه عثمان طه، بدون یای زائده، به صورت «فَإِنْ» نوشته شده و صحیح است.

۳. کلمه «مَلَايِهِ وَمَلَايِهِمْ»

کلمه «مَلَأٌ» بدون اضافه به ضمیر، در سه حالت رفع، نصب و جرّ، به صورت ملفوظ (با الف مهموز) نوشته شده است.

مانند:

(وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَتَأَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي ...) (قصص، آیه ۳۸)

(قَالَ يَمُوسَىٰ إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ ...) (قصص، آیه ۲۰)

(أَلَمْ تَر إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ ...) (بقره، آیه ۲۴۶)

و همچنین در حال اضافه به ضمیر، در حالت نصبی، به صورت ملفوظ نوشته شده است.

(رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا ...) (یونس، آیه ۸۸)

و همه صحیح است.

اما در حالت جرّ بدون هیچ گونه دلیل، با یای زائده، بعد از همزه، نوشته شده است، مانند:

(... إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ ...) (اعراف، آیه ۱۰۳؛ یونس، آیه ۷۵؛ هود، آیه ۹۷؛ مؤمنون، آیه ۴۶؛ قصص، آیه ۳۲؛ زخرف، آیه ۴۶)

(... مِنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ ...) (یونس، آیه ۸۳)

۴. کلمه «نَبَاٍ» در سوره انعام، آیه ۳۴ با یای اضافه نوشته

شده:

(وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبَاٍ الْمُرْسَلِينَ) و صحیح بدون یاء

است.

در حالی که در موارد دیگر، بدون یای زائد آمده است، و

مشکلی ندارد، برای نمونه:

(نَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبَاٍ مُوسَى) (قصص، آیه ۳)

۵. کلمه «لِشَىء» در سوره کهف، آیه ۲۳ با الف زائده نوشته

شده که وجهی ندارد.

(وَلَا تَقُولَنَّ لِشَايٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ...)

در حالی که در سوره نحل، آیه ۴۰ بدون الف زائده و به

همان صورت ملفوظ نوشته شده است.

(إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَىءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ)

این تفاوت بدون دلیل است، و سبب می‌شود که کلمه مفهوم

خود را از دست بدهد.

۳

رسم الخط های که سبب صعوبت

فوق العاده

در قرائت می شود

بخش سوم
رسم الخطهایی که سبب صعوبت فوق العاده
در قرائت می شود

توضیح اینکه در قرآن خط عثمان طه به کلماتی بر می خوریم که بر اساس رسم الخط عرب صدر اسلام، شاید مناسب بوده ولی بر اساس رسم الخط امروز عرب، نمی تواند صحیح باشد، و برای خود عرب ها نیز، خواندن آن، بسیار مشکل است، مانند:

(فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسْتَوُوا وَجُوهَكُمْ) (اسراء، آیه ۷) (باید واو اوّل که عین الفعل است قبل از همزه باشد) در حالی که صحیح آن «لِيُسَوَّوْا» است.
نمونه دیگر: (أَزَفَتِ الْأَزْفَةُ) (نجم، آیه ۵۷) و بیشتر قاریان به قرینه أَزَفَتِ، کلمه بعدی را نیز أَزْفَةُ می خوانند در حالی که صحیح آن (أَزَفَتِ الْأَزْفَةُ) است (آزفه به معنای نزدیک شونده است).

نمونه دیگر: (أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَدِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ)
(قیامت، آیه ۴۰)

یعنی فقط با یک یاء نوشته شده و یای اوّل به صورت جداگانه و در بالا نوشته شده در حالی که صحیح آن با دو یاء به صورت «يُحْيِي الْمَوْتَىٰ» است.

نمونه دیگر: (إِنَّ وَلِيَ اللَّهِ الَّذِي...) (اعراف، آیه ۱۹۶). یای مشدّد اوّل به صورت جداگانه و در بالا نوشته در حالی که صحیح آن «وَلِيِّي» می‌باشد.

۴

رسم الخط ہانی کہ سبب اضافہ حروف نابجا شدہ

بخش چهارم

رسم الخط‌هایی که سبب اضافه حروف نابجا شده

توضیح اینکه در زبان عرب، به کلماتی که به واو جمع، ختم می‌شود، «الف غیر ملفوظی» را به نام «الف فارقه» اضافه می‌کنند، اضافه این الف، در افعال لازم است و در فهم معنی کلمه و روشن ساختن این که صیغه جمع است، تأثیر دارد. اما در قرآن خط عثمان طه، مواردی وجود دارد که فعل مفرد است با این حال، بعد از آن، الف جمع اضافه شده که نباید اضافه می‌شد و چه بسا به فعل جمع اشتباه شود. برای نمونه، به کلمات زیر توجه فرمائید:

۱. «يَبْدُو» در آیه ۴ سوره یونس به این صورت آمده: (إِنَّهُ يَبْدُو أَلْخَلَقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ)... (و ۶ بار تکرار شده) در حالی که صحیح بدون الف جمع است.

۲. «يَدْعُو» در آیه ۲۲۱ سوره بقره: (أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو)... (۸ بار تکرار شده) در تمام اینها

رسم الخط صحیح بدون الف جمع است، زیرا فعل مفرد است در

حالی که در تمام اینها با الف جمع نوشته شده است.^۱

۳. «تَفْتَوُ» در آیه ۸۵، سوره یوسف: (قَالُوا تَأْتِيكَ تَفْتَوُ
تَذَكَّرُ يَوْسُفَ...) (با الف جمع نوشته شده)

۴. «يَمْحُو» در آیه ۳۹ سوره رعد: (يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ
وَيُثَبِّتُ...) (با الف جمع نوشته شده)

۵. «يُنَبِّئُ» در آیه ۱۳ سوره قیامت: (يُنَبِّئُ الْإِنْسَانُ
يَوْمَئِذٍ...) (با الف جمع نوشته شده)

همچنین کلمات «يُنْشِئُ»، «أَتَوَكَّأُ»، «يَغْفُوا»، «تَظْمَأُ» و...

که عموماً با الف جمع ذکر شده در حالی که همه مفرد است.

و نوشتن این الف‌ها در نسخه عثمان طه ممکن است سبب

اشتباه خوانندگان در فهم معنی شود.

۱. بقره، آیه ۲۲۱ و یونس، آیه ۲۵ و حج، آیه ۱۲ و ۱۳ و فاطر، آیه ۶ و زمر، آیه ۸ و احقاف، آیه ۵ و انشقاق، آیه ۱۱.



رسم الخط ہائی کہ سبب حذف حروف

لازم

شده است

بخش پنجم

رسم الخط‌هایی که سبب حذف حروف لازم شده است

این بخش، بر عکس بخش چهارم، بر خلاف قاعده بعضی از افعالی که به واو جمع ختم شده است، «الف» بعد از آن نیامده، در حالی که در موارد فراوان دیگر در همین نسخه، الف جمع در موارد مشابه ذکر شده است.

برای نمونه، کلمات:

۱. «بَاءُوا» بدون الف جمع آمده: (وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ... (بقره، آیه ۶۱ و آل عمران، آیه ۱۱۲)
(فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ) (بقره، آیه ۹۰) در هر دو مورد الف جمع حذف شده است.

و صحیح آن «بَاءُوا» با الف جمع است.

۲. «تَبَوَّءُوا» (وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيْمَانَ...) (حشر، آیه ۹)
در اینجا نیز الف جمع مذکر حذف شده و صحیح آن «تَبَوَّءُوا» است.

۳. «جَاءُوا» (وَجَاءُوا آبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ) (یوسف، آیه ۱۶)
(وَجَاءُوا عَلَىٰ قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ ...) (یوسف، آیه ۱۸)
(۹ بار تکرار شده است).^۱

در تمام این موارد الف جمع بدون دلیل حذف شده است.

۴. «سَعَوْا» که به صورت (وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ ...) (سبأ، آیه ۵) (با حذف الف جمع) آمده است و صحیح با الف جمع است.

و عجب اینکه شبیه همین آیه بدون هیچ تفاوت در سوره حج، آیه ۵۱ با الف جمع آمده است. (وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ).

۵. «عَتَوْا» ... که به صورت (لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا) (فرقان، آیه ۲۱) (بدون الف جمع) آمده است.

و شگفت‌آور اینکه همین کلمه در سوره ذاریات، آیه ۴۴ و اعراف آیات ۷۷ و ۱۶۶ با الف جمع آمده است.

(فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ ...) (با الف جمع)

۱. آل عمران، آیه ۱۸۴؛ اعراف، آیه ۱۱۶؛ یوسف، آیه ۱۶ و ۱۸؛ نور، آیه ۱۱ و ۱۳؛ فرقان، آیه ۴؛ نمل، آیه ۸۴؛ و حشر، آیه ۱۰.

۶. «فَاءُ وَا» ... که به صورت (فَإِنْ فَاءُ وَا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ) (بقره، آیه ۲۲۶) (بدون الف جمع) آمده است و صحیح با الف جمع است.

نمونه دیگر:

حذف حرف «یاء» که بر اثر التقاء ساکنین، تنها در تلفظ حذف می شود ولی در کتابت معمولاً نوشته می شود مانند:

۱. «بِهَادِي» در آیه (وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَى عَنْ ضَلَالَتِهِمْ ...) (روم، آیه ۵۳) بدون دلیل یاء حذف شده است.

در حالی که شبیه همین آیه در سوره نمل، آیه ۸۱ «یاء» در کتابت آمده است:

(وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَى عَنْ ضَلَالَتِهِمْ ...)

این تفاوت‌ها برای چیست؟

۲. «نُنَجِّي» در آیه (كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ) (یونس، آیه ۱۰۳) یاء حذف شده است.

ولی در سوره انبیاء، آیه ۸۸، یاء در کتابت آمده است در حالی که هر دو عبارت شبیه هم است

(وَكَذَلِكَ نُجِي الْمُؤْمِنِينَ) آیا نباید این نسخه اصلاح

گردد؟!

۳. «يُؤْتِي» در آیه (وَسَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا) (نساء، آیه ۱۴۶) حرف یاء حذف شده است و اگر به خاطر التقاء ساکنین در کتابت حذف شده چرا در آیه ۲۶۹ بقره آمده است: (يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ).

۴. دیگر از عجایب نسخه قرآن به خط عثمان طه واژه «ابراهیم» است که در موارد زیادی یاء آن حذف شده و در موارد زیاد دیگری یاء آن ذکر شده است.

در سوره بقره، ۱۵ بار تکرار شده و همگی بدون یاء می باشد «إِبْرَاهِيمَ» اما از سوره آل عمران به بعد، ۵۴ بار تکرار شده و همه با یاء نوشته شده است «إِبْرَاهِيمَ».

چگونه می‌توان این تفاوت‌های بی‌دلیل را بر زمان رسول خدا ﷺ نسبت داد و یا اگر از اشتباهات ناسخین زمان‌های بعد است - که هست - نباید آن را در نسخه‌های موجود حفظ کرد و به این اشتباهات رسم الخطی رسمیت بخشید.

۵. همچنین حذف حرف یاء در کلمه «إِيلَافِهِمْ» در سوره قریش، که در دو آیه پشت سر هم یک بار با یاء و بار دیگر بدون یاء، نوشته شده است.

(لَا يَلْفِ قُرَيْشٍ * إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ ...)

به چه دلیل در دو آیه پشت سر هم در یکی یاء متصل آمده در دیگری حذف شده و به صورت مستقل و کوچک نوشته شده؟

۶. در جمله «يَمْحُو» که واو آن در تلفظ (هنگام التقاء ساکنین) حذف می‌شود ولی در کتابت باید نوشته شود، در بعضی از آیات در کتابت حذف شده مانند:

(وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَتُحَقُّ الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ) (شوری، آیه ۲۴).

ولی در سوره رعد، آیه ۳۹، «واو» در کتابت آمده است:

(يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ)



رسم الحظیاتی که یک کلمه را به دو صورت نوشته،
در حالی که فقط یکی از آن دو صحیح است

بخش ششم

کلماتی که به دو صورت نوشته شده، در حالی که تنها یک صورت آن، صحیح می باشد.

در این رابطه به ذکر چند نمونه اکتفا می کنیم:

۱- «بَلَاءٌ - بَلَوٌّ»

جالب این که این کلمه با تنوین مضموم، ۵ بار در قرآن آمده است، ۳ بار به صورت «بَلَاءٌ» و ۲ بار به صورت «بَلَوٌّ» نوشته شده است!

همچنین در آیه (وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ) (بقره، آیه ۴۹؛ اعراف، آیه ۱۴۱؛ ابراهیم، آیه ۶) به صورت صحیح آمده و در آیه (وَأَتَيْنَهُم مِّنَ الْأَيَّاتِ مَا فِيهِ بَلَوٌ مُّبِينٌ) (دخان، آیه ۳۳) و (صافات، آیه ۱۰۶) غیر صحیح (با الف

اضافی، حرف همزه روی کرسی واو، در حالی که حرف همزه بعد از حرف ساکن بدون کرسی می‌باشد).

۲- «أَبْنَاؤُ - أَبْنَوْا»

این کلمه در حالت مضموم بودن همزه، ۳ بار در قرآن آمده است، ۲ بار به صورت «أَبْنَاؤُ» و ۱ بار به صورت «أَبْنَوْا» نوشته شده است (با الف اضافی).

مانند: (... أَبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ...) (نساء، آیه ۱۱؛ توبه، آیه ۲۴)

(... نَحْنُ أَبْنَاؤُ اللَّهِ...) (مائده، آیه ۱۸)

۳- «جَزَاءُ - جَزَوْا»

این کلمه ۱۵ بار در قرآن آمده است، ۱۱ مورد به صورت «جَزَاءُ» و ۴ مورد به صورت «جَزَوْا» نوشته شده است (با الف اضافی و تغییر شکل اصلی).

مثلاً در این دو مورد: (ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ) (زمر، آیه

۳۴) (جَزَاءُ سَيِّئَةٍ مِّثْلُهَا) (یونس، آیه ۲۷) صحیح نوشته شده.

و در این دو مورد: (وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ) (مائده، آیه ۲۹)

(وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا) (شوری، آیه ۴۰) غیر صحیح.

۴- «دُعَاءُ - دُعَوْا»

این کلمه ۲ بار در قرآن آمده است، در نسخه عثمان طه یک بار به صورت «دُعَاءُ» و بار دیگر به صورت «دُعُوْا» نوشته شده است (بدون هیچ دلیل).

(وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ) (رعد، آیه ۱۴)
 (وَمَا دُعُوْا الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ) (غافر، آیه ۵۰)
 ۵- «مَلَأُ - مَلُوْا»

این کلمه با همزه مضمومه، ۱۶ بار در قرآن آمده است، ۱۲ بار در نسخه عثمان طه به صورت «مَلَأُ» و ۴ بار به صورت «مَلُوْا» نوشته شده است، مانند:

(وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ) (اعراف، آیه ۹۰)
 (فَقَالَ الْمَلُوْا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ) (مؤمنون، آیه ۲۴)
 با این که هر دو آیه کاملاً شبیه یکدیگر است این اختلاف چگونه قابل توجیه است.
 ۶- «نَبَأُ - نَبُوْا»

این واژه نیز در آیات کاملاً مشابه، به صورت متفاوت نوشته شده است مانند:

(أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...) (توبه، آیه ۷۰)
 (أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُوْا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ...) (ابراهیم، آیه ۹)

۷- همچنین کلمات: «شُرْكَاءُ - شُرْكُوْا» و «نَشَاءُ - نَشَوْا» و «ضُعَفَاءُ - ضُعَفَوْا» و «اَنْبَاءُ - اَنْبَوُا» به دو صورت مختلف آمده است.

۸- اضافه بر موارد مذکور، در قرآن نسخه عثمان طه کلماتی دیده می شود که یک بار با تاء گرد «ة - ة» و بار دیگر با تاء کشیده «ت» نوشته شده، برای نمونه:

الف - «سُنَّةٌ - سُنَّتٌ»

(وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا) (احزاب، آیه ۶۲ و فتح، آیه ۲۳)

(فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا) (فاطر، آیه ۴۳)

هر دو آیه کاملاً شبیه یکدیگر است ولی بدون دلیل واژه «سنت» در یک جا با تاء کشیده و یک جا با تاء گرد آمده است.

ب - «نِعْمَةٌ - نِعْمَتٌ»

(وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا) (نحل، آیه ۱۸)

(وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا) (ابراهیم، آیه ۳۴)

و همچنین کلمات: «بَقِيَّةٌ - بَقِيَّتٌ» و «رَحْمَةٌ - رَحِمَتْ» و «شَجَرَةٌ - شَجَرَتٌ» و «كَلِمَةٌ - كَلِمَتٌ» و «لُعْنَةٌ - لُعْنَتٌ» و «امْرَأَةٌ - امْرَأَتٌ»

آیا به راستی یک محقق قرآن پژوه می‌تواند این همه اختلاف نسخه در کلمه واحده که معلوم نیست از کجا سرچشمه گرفته است، بپذیرد؟

نتیجه گیری و پایان

از آن چه به طور کاملاً مستند در فصول شش گانه فوق از نظر خوانندگان عزیز گذشت این نکته به روشنی به دست می‌آید که قرآن با رسم الخط «عثمان طه» با تمام مزایایی که دارد، دارای کاستی‌های بسیاری است که اگر دانشمندان اسلام، از جمله علمای حجاز، دست به دست هم دهند و آن را اصلاح کنند مسلمین جهان در قرائت از روی این نسخه گرفتار مشکلات فراوانی نخواهند شد. والسلام

رمضان المبارک ۱۴۲۹ ق

شهریورماه ۱۳۸۷ ش